

آقای رهبر

خطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر

خبرنگار و گوینده رادیو نفت ملی آبادان

www.ketab.ir

مصاحبه و تدوین:

سیدقاسم یاحسینی

سرشناسه:	باحسینی، سیدقاسم، - گردآورنده
عنوان:	آقای رهبر: خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر
مشخصات نشر:	خبرنگار و گوینده رادیو نفت ملی، آبادان
مشخصات ظاهری:	قم: صحیفه خرد، ۱۳۹۵
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۳-۳۴-۹
وضعیت فهرست‌نویسی:	۱۸۴ ص.
یادداشت:	فیبا
یادداشت:	عنوان دیگر خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر،
موضوع:	خبرنگار و گوینده رادیو نفت ملی، آبادان
موضوع:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع:	رهبر - غلامرضا، ۱۳۳۲-۱۳۶۲
موضوع:	رهبر - غلامرضا - خاطرات
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - خاطرات
رده بنیادی کنگره:	شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات
ردیف ملی:	۱۳۹۵، ۹۵۵ / ۰۸۴۳۹۲
ردیف ملی:	DSR ۱۶۲۶ / ۹۵۵ / ۰۸۴۳۹۲
ردیف ملی:	۴۱۲۲۶۷۳

آقای رهبر

خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر
خبرنگار و گوینده رادیو نفت ملی، آبادان

سیدقاسم باحسینی

ناشر: صحیفه خرد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

لینتوگرافی: ترام اسکندر

چاپ: زیتون

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۳-۳۴-۹

تلفن ناشر: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۱۹۸

فهرست مندرجات

۱۵	مقدمه
۱۹	هوشیاری آقای رهبر در نه سالگی
۲۰	آقای رهبر نوجوان در محله وارسته آبادان
۲۱	آقای رهبر گویندهٔ رادیو نفت ملی آبادان قبل از انقلاب
۲۳	آقای رهبر در دوران نوجوانی
۲۴	گویندگی آقای رهبر در نوجوانی
۲۵	آقای غلامرضا رهبر گویندهٔ نوجوان رادیو نفت ملی
۲۶	ورزش‌های آقای رهبر در نوجوانی
۲۷	فعالیت‌های انقلابی آقای رهبر در دوران سربازی
۲۸	آقای رهبر در انقلاب
۲۹	استخدام آقای رهبر در رادیو نفت ملی آبادان
۳۰	چگونگی جذب آقای رهبر به رادیو نفت ملی آبادان
۳۱	مُعرف آقای رهبر به رادیو نفت ملی آبادان

- خانه و خانواده آقای رهبر ۳۲
- خصوصیت بارز آقای غلامرضا رهبر ۳۳
- گزارش‌های آقای رهبر از محاکمه عاملان فاجعه سینما رکس آبادان ۳۴
- آقای رهبر و پوشش رادیویی محاکمه عاملان سینما رکس آبادان ۳۵
- همکارم آقای رهبر ۳۶
- آقای رهبر و برنامه رادیویی مرزداران اسلام ۳۷
- آقای رهبر در ساعات اول شروع جنگ ۳۹
- آن روزها آقای رهبر ۴۰
- خیلی زود با آقای رهبر آشنا و دوست شدم ۴۱
- آقای رهبر و آغاز جنگ محملی ۴۲
- اولین برخورد با رهبر ۴۳
- گزارش‌های آقای رهبر از روزهای اول جنگ ۴۴
- فرهاد، برادر آقای رهبر ۴۵
- اولین باری که با آقای رهبر برای تهیه گزارش به خرمشهر رفتم ۴۷
- گزارش‌های رهبر از شهدا در قبرستان آبادان ۴۹
- آقای رهبر و ساخت برنامه‌های جنگی برای رادیو ۵۰
- آقای رهبر گوینده برنامه رادیویی «شکوفایی خرد» ۵۱
- مصاحبه آقای رهبر با شخصیت‌هایی که به آبادان و خرمشهر می‌آمدند ۵۲
- خاطره‌ای از مصاحبه‌های آقای رهبر ۵۳
- مصاحبه جالب آقای رهبر با تکاوران نیروی دریایی ارتش ۵۴
- آقای رهبر روی پل خرمشهر! ۵۶

۵۷	آقای رهبر در روزهای مقاومت خرمشهر.....
۵۹	تمرکز آقای رهبر روی اخبار جنگ تحمیلی.....
۶۰	آقای رهبر در اتاق جنگ آبادان.....
۶۱	آقای رهبر و گرفتن پیام‌های سلامت رزمندگان.....
۶۲	آقای رهبر و ارسال روزانه اخبار جنگ به رادیو تهران.....
۶۳	خبر ای امالی توسط آقای رهبر را چک می‌کردم.....
۶۴	آقای رهبر در عملیات کوی ذوالفقاری.....
۶۵	آقای رهبر و طرح استی برای رادیو نفت ملی آبادان.....
۶۶	آقای رهبر فریادرس فقره.....
۶۷	ماجرای اعلام مکان توسط رهبر.....
۶۸	آقای رهبر در شب عملیات به هدر دادن در آبادان.....
۷۰	آقای رهبر در عملیات آزادسازی تهران.....
۷۱	آقای رهبر مادرش را به تهران آورده بود.....
۷۲	آقای رهبر در جبهه ایران گاز آبادان!.....
۷۵	برای تهیه گزارش با آقای رهبر می‌رفتیم جبهه.....
۷۶	آقای رهبر در استودیوی رادیو.....
۷۷	موتور واسپای آقای رهبر.....
۷۹	آقای صدرهاشمی هوای آقای رهبر را داشت!.....
۸۰	آقای رهبر و اعلام فرستنده از زیر پتو!.....
۸۱	آقای رهبر در میان کارمندان رادیو نفت ملی آبادان.....
۸۲	برنامه‌های رادیویی آقای رهبر در آبادان.....

۱۰ □ آقای رهبر: خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر

- ۸۳ آقای رهبر و عملیات شکست حصر آبادان
- ۸۴ قرآن خوانی آقای رهبر برای رفتن به جبهه
- ۸۵ با آقای رهبر میان نیازمندان غذا توزیع می‌کردیم
- ۸۶ عکس‌های آقای رهبر
- ۸۸ با آقای رهبر که به شهر و جبهه می‌رفتیم
- ۸۹ یادداشت‌های آقای رهبر برای عملیات شکست حصر آبادان
- ۹۰ گزارش آقای رهبر از عملیات شکست حصر آبادان
- ۹۱ من و آقای رهبر در عملیات شکست حصر آبادان
- ۹۲ شوخ‌طبعی آقای رهبر
- ۹۳ آقای رهبر خودش را زلف‌خاک و مردم فقیر کرده بود
- ۹۴ اخلاق و صدا و سیمای جذاب آقای رهبر
- ۹۵ خاطره‌ای از نماز شب آقای رهبر
- ۹۶ آقای رهبر و برنامه رادیویی «سلام بر جبهه»
- ۹۷ مصاحبه روزانه آقای رهبر برای برنامه رادیویی «پیام جبهه»
- ۹۸ مأموریت ویژه آقای رهبر در عملیات طریق القدس
- ۱۰۰ سفارش بستنی توسط آقای رهبر
- ۱۰۱ مصاحبه جالب آقای رهبر در عملیات طریق القدس
- ۱۰۲ مأموریت جدید آقای رهبر در عملیات فتح المبین
- ۱۰۴ زخمی شدن رهبر در عملیات آزادسازی خرمشهر
- ۱۰۵ آقای رهبر دلش می‌خواست عربی یاد بگیرد
- ۱۰۶ آقای رهبر با زبان روزه به جبهه می‌رفت

۱۰۷.....	با آقای رهبر صبح‌ها می‌دویدیم
۱۰۸.....	آقای رهبر در عملیات محرم
۱۰۹.....	راز نگهداری یکی از خصوصیات آقای رهبر
۱۱۰.....	آقای رهبر هوای ما در فرستنده هم داشت
۱۱۲.....	رهبر و برنامه‌های رادیو نفت ملی آبادان
۱۱۳.....	راز داری آقای رهبر در باب عملیات‌ها
۱۱۴.....	توبه آقای رهبر به فقرا
۱۱۵.....	آقای رهبر و کاربرد آیات قرآن در گزارش‌هایش
۱۱۶.....	آقای رهبر با مومنان و تندیس جبهه می‌رفت
۱۱۷.....	یک گزارش از جبهه رفتن آقای رهبر
۱۱۸.....	خواب آقای رهبر و در خانه پدری‌اش در آبادان
۱۱۹.....	هدیه سفر آقای رهبر
۱۲۰.....	آقای رهبر گزارشگر برنامه «رزمندگان» رادیو آبادان
۱۲۱.....	اشراف آقای رهبر در کار خودش
۱۲۲.....	جبهه‌ها و عملیات‌های آقای رهبر
۱۲۳.....	آقای رهبر می‌گفت: آیت الکرسی بخوانید!
۱۲۴.....	استفاده از توانایی‌های آقای رهبر در گویندگی
۱۲۵.....	آقای رهبر گویندگی و در تئاتر بازی می‌کرد!
۱۲۷.....	موهای لخت آقای رهبر
۱۲۸.....	آقای رهبر دائم در حال خواندن قرآن بود
۱۲۹.....	آقای رهبر و چی‌چی ملو

۱۲ □ آقای رهبر: خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر

- با آقای رهبر رفتیم جزیره مینو..... ۱۳۰
- آقای رهبر همه کار می کرد..... ۱۳۲
- من راننده آقای رهبر در واحد خبر بودم..... ۱۳۳
- با آقای رهبر حواش به همه جا بود..... ۱۳۴
- مردم و برنامه رادیویی آقای رهبر..... ۱۳۵
- خاطراتی از آقای رهبر در یک عملیات..... ۱۳۶
- احلاق خاص آقای رهبر..... ۱۳۷
- من راننده آقای رهبر در عملیات والفجر مقدماتی..... ۱۳۸
- دم و گفت با آقای رهبر..... ۱۴۰
- آقای رهبر می آمد و با فوتبالی بازی می کرد..... ۱۴۱
- خواستگاری رفتن آقای رهبر..... ۱۴۲
- آقای رهبر بعد از عقد رفت خدمت امام حسین..... ۱۴۳
- آقای رهبر دنبال جهیزیه بود!..... ۱۴۴
- آقای رهبر گفت: جوابش را بده!..... ۱۴۵
- بُز صبحانه آقای رهبر را خورد!..... ۱۴۷
- آقای رهبر و برنامه رادیویی «سلام بر جبهه»..... ۱۴۸
- مراسم عقد و ازدواج آقای رهبر..... ۱۴۹
- به اتفاق آقای رهبر این برنامه را اجرا می کردیم..... ۱۵۰
- همکارم آقای رهبر..... ۱۵۱
- برخورد آقای رهبر با بچه های آبادان..... ۱۵۲
- آقای رهبر از حج آمده بود..... ۱۵۳

۱۵۴		ظرف شستن آقای رهبر در خانه!
۱۵۵		آقای رهبر در قرارگاه کربلا و خاتم الانبیاء
۱۵۶		آقای رهبر درباره تقدیر برایم صحبت کرد
۱۵۷		آقای رهبر گفت: این کار را نکن!
۱۵۸		آقای رهبر در عملیات خیبر
۱۶۰		نایب آقای رهبر را از یاد ببریم
۱۶۱		دختر آقای رهبر را ندیدیم
۱۶۲		آقای رهبر دائم بران می خواند
۱۶۳		تولد دختر آقای رهبر
۱۶۴		فاطمه، دختر آقای رهبر
۱۶۵		آقای رهبر و دیگر شهدای ادیبان
۱۶۶		نماز شب آقای رهبر در سنگر
۱۶۷		آقای رهبر در عملیات والفجر هشت
۱۶۹		زخمی شدن آقای رهبر در عملیات والفجر هشت
۱۷۱		شیشه شربت سینه آقای رهبر
۱۷۲		ماجرای جشن تولد دختر آقای رهبر
۱۷۳		آرزوی شهادت توسط آقای رهبر در جبهه
۱۷۴		وداع آقای رهبر با همسرش
۱۷۶		ماجرای ناپدید شدن آقای رهبر!
۱۷۸		شرح شهادت آقای غلامرضا رهبر

مقدمه

گزارش کار

فکر کنم اواخر آبان ماه سال ۱۳۹۴، بود که دوست عزیز و فرزانه ام حاج آقا محمدعلی زم به من اطلاع داد جمعی از مدیران و کارکنان بازنشسته خاطرات شفاهی مدیران ارشد، کارکنان و پرسنل «ادبیت ملی آبادان» و «رادیو آبادان» در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵، را جمع‌آوری و خاطراتی در این زمینه از افراد متعدد ضبط کرده‌اند.

تا آن موقع من اسم رادیو نفت ملی آبادان و بارها شنیده و حتی به طور جسته و گریخته چیزهایی در این باره شنیده بودم، اما اطلاع دقیقی از نقش این نهاد رسانه‌ای و به‌خصوص کارکنان، پرسنل و مدیران آن در سال‌های نخست جنگ تحمیلی نداشتم. در همین راستا آقای زم، آقای سیدمحمد صدر، مشورت را به من معرفی کردند. آقای صدرهاشمی نیز لطف کردند و آقای فضل‌الله عباسی را که مقیم اصفهان هستند، معرفی کردند. پس از تماس با ایشان، متوجه شدم به همت ایشان و هنرمند محترم آقای عبدالله نعیم‌زاده، با حمایت حوزه هنری اصفهان، با بیش از سی نفر از مدیران و کارکنان رادیو نفت ملی آبادان و همچنین رادیو آبادان مصاحبه‌هایی انجام شده است. درباره ارزش و اهمیت آن مصاحبه‌ها من در کتاب «اینجا آبادان» به اندازه کافی حرف زده و آن مطالب را اینجا تکرار نمی‌کنم.

در خلال تدوین خاطرات و مصاحبه‌ها، مطالب و ریز خاطرات فراوانی از یکی از پرسنل کوشای آن رسانه، شهید غلامرضا رهبر، وجود داشت که از همان اول توجه مرا به خود جلب کرد. مهر این شهید مخلص ناخودآگاه به دلم نشست و احساس تکلیف کردم که اگر در توانم باشد، کاری درباره‌اش انجام دهم...

آن مصاحبه‌ها و خاطرات را در کتابی نسبتاً قطور با عنوان «اینجا آبادان» تدوین و تصویب کردم، اما دریغ آمد خاطرات مستقل مربوط به شهید غلامرضا رهبر را به حال خود رها کنم، به‌خصوص که امسال (۱۳۹۵) درست سی سال از شهادت آن خبرنگار، گزارشگر، گوینده و مستندساز توانا می‌گذرد و تا امروز، کار مکرب چندانی درباره ایشان انجام یا دست‌کم منتشر نشده است.

در مردادماه سال، فرصتی دست داد تا بار دیگر به سراغ آن خاطرات و ریز خاطرات بروم. آن خاطرات را از نو بازخوانی کرده و به صورت تک خاطره‌های متعدد درآورده و برای هر خاطره، کوتاه یا بلند، مطابق با محتوای آن، اسمی انتخاب کردم. نام راوی هر خاطره نیز در بالای صفحه و زیر عنوان، قید شد. برای حفظ تسلسل تاریخی، سعی کردم خاطرات به‌صورت تاریخمند و به‌اصطلاح کرونولوژیک کنار هم چیده و در حد مقبول، روایتی خطی از آغاز زندگی تا شهادت شهید غلامرضا رهبر به دست دهم. البته برخی از خاطرات فاقد تاریخ بودند. تاریخ برخی خاطرات را با توجه به قرائن درونی و بیرونی متنی، پیدا کردم، اما برخی از خاطرات همچنان بی‌تاریخ ماندند. سعی کردم در تدوین نهایی، آن‌ها را در جاهای مناسبی بنشانم.

برخی از این خاطرات ممکن است تکراری باشند، اما بعضی از خاطره از زاویه خاصی روایت شده و به یک معنی خاطرات با هم در کل هم‌پوشانی دارند، از حذف آن‌ها خودداری کردم. همچنین چون برخی از خاطرات تا اندازه‌ای فضای کاری شهید غلامرضا رهبر در رادیو نفت ملی آبادان و سپس رادیو آبادان را نشان می‌دهد، متن کامل آن‌ها را آوردم تا برای کسانی که با آن فضا آشنا نیستند، جالب و آگاهی‌بخش باشد.

حاصل کار کتاب حاضر است که اگر حجم نسبتاً کوچکی دارد، اما در باب مردی بزرگ است ...

تدوین کتاب تقریباً تمام شده بود که روزی به کتابخانه جنگ حوزه هنری در خیابان سمیه سر زدم. چند سالی است عادت من این شده که اگر بخواهم هر کاری درباره جنگ تحمیلی انجام دهم، حتماً سری به کتابخانه جنگ حوزه در تهران می‌زنم و درباره آن موضوع از کتابداران مهربان و دلسوز آنجا پرسش می‌کنم. این بار وقتی از کتاب یا کتاب‌های منتشر شده مربوط به شهید غلامرضا رهبر پرسیدم، با کمال تعجب پاسخ شنیدم که به جز یک مورد، تاکنون هیچ کتاب مستقلی درباره ایشان چاپ و منتشر نشده است! در این میان تنها استثنا، کتاب «رهبر به روایت همسر شهید» بود که همین اواخر سال گذشته توسط انتشارات «روایات فتح» منتشر شده است.^۱ آن کتاب را برای چند ساعت امانت گرفتم و همان‌جا سرتاسر آن را تورق کردم. چند ریز خاطره در آن نظرم را جلب کرد که حیف آمد آن‌ها را در کتاب خودم نیامدم. بنا بر این به جز خاطرات خانم فریبا انصاری، همسر شهید رهبر که در متن کتاب با ذکر صفحه آورده شده است، همه خاطرات دیگر حاصل تلاش‌های خودم هستند. رای یکدست شدن خاطرات، مطالب مربوط به خاطرات خانم فریبا انصاری انبیا تدوین مجدد در این مجموعه جا دادم.

برای کسانی که با تاریخ و رسانه صوتی در آبادان آشنایی ندارند باید متذکر شد که «راديو نفت ملی آبادان» در سال ۱۳۳۲ و اندکی پس از کودتای آمریکایی - انگلیسی راه‌اندازی شد و تا تاسمان ۱۳۶۰ نیز چنین نامی داشت، اما در تابستان آن سال که این رسانه صوتی از وزارت نفت به صدا و سیمای جمهوری اسلامی مرکز اهواز تحویل شد، نام آن به «راديو آبادان» تغییر یافت.

در خلال تدوین این کتاب، همسر سرکار خانم عصمت السادات یاحسینی، علاوه بر اینکه در تمام مدت کار، همواره مشوقم بود، کار ویرایش و نمره‌خوانی را نیز با دقت و سرعت انجام داد. ممنون از ایشان و اجزش با خداوند متعال. در پایان ضمن تشکر ویژه از هنرمند متعهد آقای عبدالله نعیم‌زاده که زحمت مصاحبه‌های اولیه را کشیدند و به‌خصوص آقایان سید محمد صدرهاشمی و فضل‌الله صابری که از هرگونه مساعدت، همفکری و همکاری با من برای به انجام رسیدن این کتاب خودداری نکردند، صمیمانه تشکر و قدردانی نموده و از خداوند متعال توفیق روزافزون همه این عزیزان را از خداوند متعال خواهانم.

۱. ابوالفضل طاهرخانی، رهبر به روایت همسر شهید، روایت فتح، چاپ اول، تهران ۱۳۹۴.

۱۸ □ آقای رهبر: خاطراتی از نزدیکان و همکاران شهید غلامرضا رهبر

در پایان باید به خصوص از برادر ارجمند و دلسوز آقای محمود محمدطائمه و
هنرمند کوشا و متعهد آقای عباس بلوئندی که با سخاوت زیاد هزینه چاپ و انتشار
این کتاب را فراهم کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.
اجرشان با خدای شهیدان باد!

من الله التوفيق

سیدقاسم یاحسینی

تهران، دی‌ماه ۱۳۹۵

www.ketab.ir